صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

نجات

زن مشهدی فرشته نجات ۶بیمار شد

زن مشهدی که دچار مرگ مغزی شده بود، اعضای بدنش به ۶بیمار نیازمند اهدا شد. این زن ۴۶ساله مریم رحمانیان نام داشت و سال‌ها از نارسایی کبدی رنج می‌برد که بعد از مرگ مغزی با موافقت خانواده‌اش اعضای بدن او در بیمارستان منتصریه مشهد جداسازی و به ۶بیمار نیازمند اهدا شد.

دادستانی

آزادی ۸ مادر زندانی با کمک خیران

دادستان تهران از آزادی ۸نفر از محکومان مالی با جذب کمک‌های مالی خیران خبر داد. علی صالحی گفت: در سالروز میلاد حضرت معصومه(س) ۸ نفر از محکومان مالی که اکثر آنها مادر هستند با جذب کمک‌های انسان‌دوستانه، از ندامتگاه‌های استان تهران آزاد شدند و به آغوش خانواده بازگشتند.

رویداد

حادثه هولناک در رانندگی کودکانه

برای بعضی‌ها تب رانندگی از کودکی شروع می‌شود، از همان زمانی که مادر یا پدر را می‌بینند که پشت فرمان نشسته‌اند و استارت می‌زنند. رانندگی رویای اکثر بچه‌های کم‌سن و سال است و اگر مراقب آنها نباشید، ممکن است حوادثی رقم بزنند که جبران‌ناپذیرند.

به گزارش همشهری، تازه‌ترین حادثه‌ای که رانندگی کودکان رقم زد در پایتخت رخ داد، جایی که پسربچه‌ای خردسال دور از چشم والدینش پشت فرمان پژو۲۰۶ نشست و با روشن کردن خودرو آن را به راه انداخت. ماشین در پارکینگ خانه حرکت کرد و زن همسایه هم مقابل ماشین ایستاده بود و همین باعث شد در چشم‌برهم‌زدنی ماشین زن همسایه را زیر بگیرد و زیر چرخ جلو خودرو گرفتار شود. همسایه‌ها که شاهد این حادثه بودند، با آتش‌نشانی تماس گرفتند و با حضور آتش‌نشانان زن جوان نجات یافت. او توسط مأموران اورژانس به بیمارستان منتقل شد.

مکث

کودکان حادثه‌ساز

رانندگی کودکان تاکنون حوادث زیادی در کشور رقم زده، حوادثی که گاهی با مرگ پایان یافته است.

۱۶اردیبهشت ۱۴۰۳، کودک بازیگوشی در روستای قراجه شهرستان هریس، وقتی دید که سوئیچ تراکتور رویش است، پشت فرمان نشست و استارت زد. پس از آن تراکتور به راه افتاد، اما تکان‌های آن باعث شد که کودک به جلو پرتاب شود و بر اثر برخورد با تراکتور جانش را از دست بدهد.

۱۳دی ۹۸، زن جوانی از اهالی خلخال با کودک خردسالش به خرید رفت. او بعد از پارک کردن خودرو پیاده شد و به خرید رفت، اما کودک بازیگوش که دید سوئیچ روی فرمان است، با روشن کردن خودرو باعث حرکت آن شد. خودرو پس از حرکت ابتدا با گاری یک دستفروش برخورد کرد و بعد از تصادف با خودرویی دیگر وارد پیاده‌رو شد و با یک طلافروشی برخورد کرد. خوشبختانه این حادثه تلفات جانی نداشت.

۲۱بهمن ۹۷، در نجف‌آباد اصفهان کودک بازیگوشی در نبود پدر و مادرش پشت فرمان خودرو نشست و با روشن کردن و به حرکت درآوردن خودرو با زن و مردی که مقابل خودرو ایستاده بودند تصادف کرد و باعث شد به‌شدت آسیب ببینند.

۱۷بهمن ۱۴۰۰، پسر ۱۱ساله‌ای که پشت فرمان خودروی سمند پدرش نشسته بود به‌شدت با یک خودروی پژو پرشیا برخورد کرد. این تصادف هولناک باعث جان‌باختن ۳نفر و مصدومیت ۴نفر دیگر شد. ۱۸دی ۱۴۰۱ نیز، پسر ۱۵ساله‌ای خودروی سمند پدرش را از خانه‌شان در مشهد بیرون آورد و با دوستانش در خیابان به راه افتاد، اما در بین راه با ۲دانش‌آموز تصادف کرد و جان آنها را گرفت.

مردی که به اتهام قتل همسرش به قصاص محکوم شده می‌گوید کاش راه دیگری را انتخاب می‌کرد

کاش به جای قتل، طلاق را انتخاب کرده بودم

گفت‌وگو
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

«اگر همسرم را طلاق داده بودم، حالا زنده بود و ۳بچه کوچکم یتیم نشده بودند.» این اظهارات مردی است که در جریان درگیری با همسرش او را به قتل رساند و حالا به قصاص محکوم شده و در زندان بندرعباس به سر می‌برد. او می‌گوید که به‌خاطر اینکه فرزندانش بدون پدر بزرگ نشوند در تلاش است رضایت اولیای دم را جلب کند تا از مجازات نجات پیدا کند؛ هر چند می‌داند کار سختی در پیش دارد. محسن که روزهایش را در زندان به ساختن صنایع‌دستی می‌گذراند در گفت‌وگویی رودررو با خبرنگار همشهری جزئیات بیشتری از پرونده‌اش می‌دهد. گفت‌وگویی که برای او سراسر افسوس و پشیمانی بود.

درباره خودت صحبت کن. چند سال داری و چطور شد زندانی شدی؟

متولد سال ۶۸ و ۳۵ساله هستم. من و اعضای خانواده‌ام در یکی از روستاهای اطراف بندرعباس زندگی می‌کردیم و زندگی خوبی داشتیم. همسرم از اقوام دورمان بود و به این شکل با هم آشنا شده و ازدواج کرده بودیم. ما ۳فرزند داشتیم و در زندگی مشترک‌مان هیچ مشکلی نبود؛ تا اینکه متوجه رفتار عجیب همسرم شدم.

منظور از رفتار عجیب چیست؟ همسرت چه کار می‌کرد که به او مشکوک شدی؟

مدتی بود که فکر می‌کردم او با یک مرد دیگر در ارتباط است. اول فکر کردم که خیالاتی و دچار توهم شده‌ام، اما بعدا فهمیدم ماجرا واقعیت دارد. او زمانی که تنها بود با فردی غریبه تلفنی صحبت می‌کرد و فهمیدن این موضوع برایم سنگین بود؛ حتی فهمیدم که آنها چند مرتبه هم یکدیگر را دیده‌اند.

وقتی از این ماجرا باخبر شدی، چه واکنشی نشان دادی؟

با اینکه خیلی عصبانی بودم و باورم نمی‌شد که همسرم به من خیانت کرده، اما سعی کردم خونسرد باشم و عاقلانه رفتار کنم. یک شب که بچه‌ها خوابیده بودند شروع به صحبت با او کردم. گفتم که همه‌چیز را می‌دانم. او اول همه‌چیز را انکار کرد و گفت حرف‌هایی که درباره رابطه‌اش با مرد غریبه می‌زنم، واقعیت ندارد، ولی وقتی فهمید موضوع جدی است قول داد که اشتباهش را جبران کند.

از بچه‌هایت گفتی. چند بچه داری و چند ساله هستند؟

همانطور که گفتم من ۳فرزند دارم. بزرگ‌ترین آنها پسرم است که ۹سال دارد. به‌جز او ۲دختر ۷و ۴ساله هم دارم. من بچه‌هایم را خیلی دوست دارم و حاضرم برای آنها هر کاری انجام دهم، اما حالا این حادثه باعث شده که از آنها دور بمانم.

به حادثه برگردیم. با وجود اینکه با همسرت درباره مشکلی که داشتید، صحبت کردی، چرا کار به قتل کشیده شد؟

بعد از حرف‌هایی که زدیم تا چند هفته متوجه رفتار مشکوکی از همسرم نشدم. با خودم گفتم او متوجه اشتباهش شده و حالا تصمیم گرفته حواسش به زندگی‌اش باشد، اما این فقط یک خوش‌خیالی بود. مدتی گذشت تا اینکه وقتی به‌طور اتفاقی و زودتر از همیشه به خانه برگشتم دیدم همسرم باز هم با تلفن صحبت می‌کند. او تا مرا دید با دستپاچگی تماس را قطع کرد. هرچه خواستم گوشی‌اش را کنترل کنم که با چه‌کسی صحبت می‌کرده، اجازه نداد. آن زمان بود که فهمیدم با وجود قولی که به من داده، باز هم با مرد غریبه رابطه دارد. همانجا بود که تصمیمم را گرفتم.

تصمیمی که از آن صحبت می‌کنی همان قتل همسرت است؟

بله. از آن روز به بعد دیگر خواب و خوراک نداشتم و مدام با خودم کلنجار می‌رفتم. او به من قول داده بود، اما زیر قولش زده و به من خیانت کرده بود. نمی‌توانستم این وضعیت را تحمل کنم و تصمیم گرفتم او را به‌خاطر کاری که کرده، تنبیه کنم.

چطور همسرت را به قتل رساندی؟

باور کنید که من هیچ قصد و نیتی برای به قتل رساندن او نداشتم. یک روز که در خانه بودم همسرم به آب‌انبار رفت. کمی بعد من هم پشت سرش رفتم. هنوز خیلی ناراحت و عصبانی بودم. وقتی پایین رفتم او لبه آب‌انبار ایستاده بود. در یک لحظه از سر عصبانیت با همه قدرتم او را هل دادم و داخل آب افتاد. بعد ایستادم و دست و پا زدنش را نگاه کردم و او جانش را از دست داد. آن لحظه خیلی عصبانی بودم، اما بعد که به‌خودم آمدم و عصبانیتم فروکش کرد از کاری که کرده بودم پشیمان شدم و به پاسگاه رفتم و خودم را تسلیم کردم.

بعد از قتل چه حکمی برایت صادر شد؟

در کلانتری همه‌چیز را مو به مو تعریف کردم و جزئیات را توضیح دادم. مدتی بعد خانواده همسرم تقاضای قصاص کردند و دادگاه هم مرا به قصاص محکوم کرد. البته من اعتراض کردم و پرونده به دیوان‌عالی کشور فرستاده شد. هنوز نتیجه اعتراضم مشخص نشده، ولی می‌دانم که حکم به‌زودی تأیید می‌شود. فقط امیدم به خداست و به اینکه خانواده همسرم مرا ببخشند.

همسرت که به قتل رسیده و تو هم زندانی هستی. چه‌کسی از ۳فرزند خردسالت نگهداری می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایم همین است. از آن روز بچه‌هایم با مادر پیر من زندگی می‌کنند. او هم به‌خاطر شرایطی که دارد نمی‌تواند بچه‌ها را برای ملاقات به زندان بیاورد و مدت‌هاست که بچه‌هایم را ندیده‌ام و دلم برایشان تنگ شده است.

این حادثه چه تأثیری بر زندگی‌ات داشت؟

همین که می‌بینید؛ خودم زندانی شدم، ۳بچه‌ام یتیم شدند و حالا زندگی سختی دارند. همسرم هم از بین رفت.

حالا که به گذشته فکر می‌کنی از کاری که کرده‌ای پشیمان نیستی؟

صددرصد پشیمانم. از روزی که این حادثه اتفاق افتاد تا به حال بارها به ماجرا فکر کرده‌ام. من با همسرم دچار اختلاف شده بودم. شاید اگر طلاق می‌گرفتیم اوضاع بهتر بود؛ هم من زندانی نبودم و هم همسرم زنده بود. بچه‌هایم هم یتیم نمی‌شدند، اما مشکلی که وجود دارد این است که طلاق گرفتن در روستای ما وجهه خوبی ندارد و از حرف و حدیث‌ها می‌ترسیدم؛ البته فکرش را هم نمی‌کردم کار به اینجا کشیده شود؛ تصمیمی که گرفتم ناگهانی بود و حالا پشیمانم.

شرایط زندان بندرعباس چطور است؟ اینجا اوقاتت را چطور می‌گذرانی؟

اینجا هر کس برای خودش ماجرایی دارد. خیلی‌ها فکرش را هم نمی‌کردند که روزی پای‌شان به زندان باز شود. خیلی از ماها آدم‌های معمولی بودیم و سرمان گرم زندگی‌مان بود، اما یک اشتباه زندگی‌مان را تغییر داد. من بنا بودم و زندگی آرامی داشتم، اما اشتباه بزرگی که مرتکب شدم زندگی‌ام را نابود کرد. در زندان هم همه‌جور آدمی پیدا می‌شود. در اندرزگاهی که هستم با چند نفر دوست شده‌ام. روزهای اول در دوره‌های آموزشی شرکت کردم و حالا روزها در کارگاه صنایع‌دستی کار می‌کنم و از این طریق کمی از هزینه‌های زندگی خودم و بچه‌هایم تامین می‌شود. شب‌ها هم معمولا در اندرزگاه دور هم جمع می‌شویم و درددل می‌کنیم. باورم نمی‌شود. من زندگی آبرومندانه‌ای داشتم. هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کردم روزی پایم به زندان باز شود.

در این مدت آیا برای جلب رضایت اولیای دم تلاشی کرده‌ای؟

خانواده همسرم از اقوام دورمان هستند. چند مرتبه چند نفر از اقوام را برای پادرمیانی فرستادم، ولی تا امروز که فایده‌ای نداشته و آنها برای اجرای حکم مصر هستند. نمی‌دانم قرار است چه اتفاقی بیفتد؛ خدا می‌داند، اما امیدوارم خانواده همسرم مرا به‌خاطر ۳فرزند کوچکی که دارم ببخشند.

معمای قتل شهردار منطقه ۵ شیراز

شهردار منطقه ۵ شیراز در جریان جنایتی مرموز در خانه‌اش به قتل رسید. به گزارش همشهری، حوالی ساعت ۱۴:۴۳ دیروز به پلیس شیراز خبر رسید که رضا مسعودی، شهردار منطقه ۵ شیراز در خانه‌اش واقع در خیابان شهید آقایی به قتل رسیده است. حساسیت این خبر چنان بود که ظهر دیروز اعضای شورای شهر شیراز به‌دنبال این حادثه جلسه خود را نیمه‌کاره رها کردند. با حضور تیم بررسی صحنه جرم، کارآگاهان آگاهی و بازپرس جنایی در محل حادثه و در بررسی‌های اولیه معلوم شد که مسعودی در جریان یک درگیری جان خود را از دست داده است. به گفته افشین محمدی دره‌شوری، معاون دادستان شیراز، معاینات ابتدایی جسد و صحنه جرم دلالت بر آن دارد که وقوع حادثه یا جنایت، حوالی ساعات میانی یکشنبه رخ داده است. وی تاکید کرد: تحقیقات برای کشف راز این جنایت ادامه دارد.

داخلی

گیر افتادن باند دزدان در دوربین مخفی

اعضای باندی که خانه‌ها را خالی می‌کردند، هر یک وظیفه خاصی به‌عهده داشتند؛ یکی از آنها پارکوکار بود و از دیوار بالا می‌رفت، دیگری هکر بود و دوربین‌های مداربسته را از کار می‌انداخت، نفر سوم سوژه یاب بود و دیگری مسئول بارگذاری آگهی فروش اموال مسروقه در سایت‌های خرید و فروش. به گزارش همشهری، چندی قبل وکیل جوانی با پلیس تماس گرفت و از سرقت لوازم خانه‌اش خبر داد. وی توضیح داد: دزدان با تخریب بالکن، وارد خانه‌ام شدند و نه‌تنها دلار و سکه‌هایم را برده‌اند بلکه حدود ۲۵دست کت و شلوار گران‌قیمتم، ادکلن‌ها، ساعت‌های مارک‌دار، ریش‌تراش، لپ‌تاپ، تبلت، مواد غذایی و وسایل شخصی دیگرم را به سرقت برده‌اند.

دوربین مخفی خانه تاجر

با این شکایت، تحقیقات زیرنظر دادیار شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت برای دستگیری سارقان آغاز شد اما نکته عجیب ماجرا این بود؛ ساختمانی که آقای وکیل در آنجا زندگی می‌کرد، مجهز به دوربین مداربسته بود اما به دلایل نامعلومی از کار افتاده بود. مأموران متوجه شدند که دوربین‌ها هک شده و احتمالا این کار از سوی دزدان صورت گرفته است. درحالی که تحقیقات دراین پرونده ادامه داشت چند شکایت مشابه دیگر پیش‌روی تیم تحقیق قرار گرفت که نشان می‌داد دزدان به‌صورت سریالی به خانه‌ها دستبرد می‌زنند اما درنهایت دوربین مخفی آقای تاجر که دزدان برای دومین بار به آنجا دستبرد می‌زدند، اسرار سارقان سابقه‌دار را فاش کرد. ماجرا از این قرار بود که سارقان پیش از این برای سرقت، وارد خانه آقای تاجر شده و دوربین‌های مداربسته را از کار انداخته بودند؛ به همین دلیل مال‌باخته، در خانه‌اش دوربین مخفی کار گذاشت و همین موجب شد که سارقان که از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت بودند، شناسایی و دستگیر شوند.

دزدان عجیب

سارقان در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. یکی از آنها که هکر و نابغه است در بازجویی‌ها گفت: این‌بار خواستیم متفاوت از قبل عمل کنیم، به همین دلیل تنها به دلار و طلا اکتفا نمی‌کردیم بلکه هرچه در خانه بود را جارو می‌کردیم و با خود می‌بردیم. از مواد خوراکی مانند برنج، زعفران و گوشت و مرغ گرفته تا لباس، شیرآلات، عطر، ویتامین و داروهای خاص. وی ادامه داد: من هکر بودم و دوربین‌ها را از کار می‌انداختم. یکی از همدستانم پارکوکار بود و از دیوار بالا می‌رفت. همدست دیگرم سوژه یاب بود و در محل می‌گشت تا افراد پولدار را پیدا کند. همدست چهارم هم، عکس اموال مسروقه را می‌گرفت و برای فروش در سایت‌های مختلف بارگذاری می‌کرد. وی ادامه داد: من و همدستانم نقشه سرقت را در زندان کشیدیم و ۲ روز پس از آزادی نخستین سرقت را کلید زدیم اما درنهایت دستگیر شدیم. تحقیقات از سارقان دستگیر شده ادامه دارد.

آدم ربایی ساختگی برای رفتن به خواستگاری

همه تصور می‌کردند که آدم ربایان دختر دانشجو را ربوده‌اند و قصد اخاذی ۴۰هزار دلاری از خانواده‌اش را دارند اما خیلی زود مشخص شد که ماجرا، یک آدم ربایی ساختگی بوده است.

به‌گزارش همشهری، چندی قبل، خانواده دختری ۲۱ساله قدم در اداره پلیس تهران گذاشتند و درحالی که بسیار مضطرب بودند خبر از ربوده شدن دخترشان دادند. پدر این دختر گفت: دخترم چند روز قبل برای رفتن به دانشگاه از خانه خارج شد اما دیگر برنگشت. درحالی که به‌شدت نگران وضعیت او بودیم، پیامکی به گوشی من ارسال شد با این مضمون که «دخترتان را گروگان گرفته‌ایم و اگر ۴۰هزار دلار تهیه نکنید، جانش را می‌گیریم.»

این مرد ادامه داد: پیامک از موبایل دخترم ارسال شده بود که من چندین بار با شماره‌اش تماس گرفتم اما جواب نداد. دقایقی بعد فردی ناشناس با موبایل دخترم به من زنگ زد و گفت دخترم را در خیابان با تهدید چاقو ربوده و در اتاق متروکه‌ای زندانی‌اش کرده است. او می‌گفت اگر پلیس را در جریان قرار دهم جان دخترم را می‌گیرد و من هرگز او را نمی‌بینم. با این حال من تصمیم گرفتم موضوع را با پلیس درمیان بگذارم.

ماموران از پدر این دختر خواستند تا با آدم ربایان قرار صوری بگذارد به این بهانه که ۴۰هزار دلار را آماده کرده است اما وقتی در محل قرار حاضر شدند، خبری از گروگانگیران نشد. در ادامه تحقیقات مشخص شد که دختر جوان به تازگی با جوانی در فضای مجازی آشنا شده است. او حتی به خواستگاری‌اش رفته اما با جواب منفی خانواده دختر جوان مواجه شده بود. مأموران با این فرضیه که پسر جوان در آدم ربایی دست دارد، راهی خانه وی شدند تا دستگیرش کنند اما دختر جوان در خانه خواستگارش بود و مشخص شد که ماجرای آدم ربایی غیرواقعی بوده است. دختر و پسر جوان با همدستی یکدیگر نقشه آدم ربایی کشیده بودند تا دست به اخاذی بزنند. دختر جوان گفت: خانواده‌ام با ازدواج من مخالفت کردند درحالی که من عاشق مهدی خواستگارم بودم. نظر خانواده‌ام این بود که دامادشان باید پولدار باشد و ما با هم این نقشه را کشیدیم تا با اخاذی میلیاردی از پدرم، یک خودروی شاسی بلند بخریم اما خب درنهایت دستمان رو شد.

با افشای این حقیقت، تحقیقات پلیسی در این پرونده، زیرنظر بازپرس جنایی تهران ادامه دارد.

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

آگهی مزایده عمومی فروش محصولات سردرختی

سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان

۱– سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی درنظر دارد **میوه های سردرختی باغ های تحت تملک در اداره کل شهرستان‌های استان تهران** را از طریق مزایده عمومی (به صورت نقدی) واگذار نماید. متقاضیان محترم می توانند از تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ لغایت ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ همه روزه بجز ایام تعطیل از ساعت ۷:۳۰ الی ۱۷:۰۰ جهت اخذ اطلاعات و بازدید از محل و دریافت فرم شرکت در مزایده و ارائه پیشنهادات خود به دفتر مزایده مراجعه فرمایند.

۲– اخذ پاکت های پیشنهادی به همراه اصل چک بانکی در وجه سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ (و شماره شبا IR ۵۸۰۵۹۰۰۱۲۴۰۰۴۰۰۰۱۹۰۱۲۰۰۳) به میزان ۵% قیمت پایه مزایده طبق فرم شرایط شرکت در مزایده همه روزه بجز ایام تعطیل در ساعات تعیین شده قابل انجام است. ضمنا در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ متقاضیان می‌توانند پاکت‌های پیشنهادی خود را تا ساعت ۱۲:۳۰ ظهر در محل بازگشایی، در صندوق قرار دهند (چک بانکی صرفاً چک تضمینی که از بانک‌های عامل اخذ می‌شود خواهد بود.)

۳– پیشنهادهای دریافت شده رأس ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ در محل اداره کل بازگشایی خواهد شد.

۴– پیشنهادات فاقد سپرده و یا مخدوش ومبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط و رعایت مفاد شرایط شرکت درمزایده که از طریق دفتر فروش ارائه می گردد الزامی می باشد ضمناً امضای پشت و روی فرم تقاضا ضروری است.

۵– هزینه محضر (حق ثبت و تحریر) بالمناصفه به عهده طرفین می باشد.

۶– سازمان دررد یا قبول پیشنهادات واصله مختارمی باشد.

۷– اخذ اطلاعات ازدفتر مزایده و بازدید از باغ ها لازم و ضروری می باشد. بدیهی است درصورت عدم بازدید و اخذ اطلاعات لازم، مسؤولیتی متوجه این سازمان نخواهد بود.

۸– یک درصد (۱%) رقم پیشنهادی به عنوان هزینه مزایده از برندگان در زمان انعقاد قرارداد نقداً دریافت می گردد که پیشنهاد دهنده با علم به این موضوع نسبت به پیشنهاد قیمت اقدام و هیچ ادعایی در این خصوص پذیرفته نخواهد بود. برنده محترم مزایده ملزم به ارائه تاییدیه ثبت نام ابلاغ الکترونیکی قضایی (سامانه ثنا) و چک صیاد خواهد بود. بدیهی است درصورت عدم ارائه امکان انعقاد قرارداد وجود نداشته و سپرده ضبط خواهد شد.

۹– حضور متقاضی با دردست داشتن مدارک و مستندات شناسایی، درجلسه بازگشایی پاکت ها الزامی است.

نشانی دفتر مزایده : بزرگراه شهید سلیمانی غرب – نرسیده به آفریقا – ساختمان مرکزی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی – دفتر مزایده

شماره های تماس: ۸۸۸۸۱۱۷۵–۰۲۱ و ۴۶۰۶۰۹۲۸–۰۲۱

ردیف	آدرس/قطعه/پلاک ثبتی	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	نوع ملک / کاربری	میزان مالکیت / توضیحات	قیمت پایه مزایده	۵درصد پایه مزایده
۱	شهرقدس، کاروانسرای سنگی، جنب نفت پارس	۴۳۳۱۰۵	درختان میوه	باغ/باغات و کشاورزی	فروش محصولات سردرختی باغ‌های ۱ و ۲ و ۳ به بالاترین قیمت پیشنهادی از طریق مزایده سراسری صورت می‌پذیرد باغ شامل درخت‌های زردآلو، گردو، سیب گلاب، هلو، شلیل، هلوانجیری، گلابی، خرمالو، گیلاس (تک دانه–مشهدی – صورتی) و انواع آلو (قطران طلا و شابلون) می‌باشد. بازدید از باغات مذکور قبل از اخذ پاکت مزایده الزامی است. مبلغ تکمیل نمودن فرم الحاقیه الزامی می باشد. برنده مزایده پس از تأیید نهایی می‌بایست مبلغ پیشنهادی را نقداً پرداخت نماید.	۱۷ / ۸۱۷ / ۲۵۰ / ۰۰۰	۸۹۰ / ۸۶۲ / ۵۰۰